

آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش‌دبستانی

* دکتر بابک شمشیری

** مرضیه نوزری

چکیده

مسئله پژوهش حاضر این است که از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش‌دبستانی آسیب‌های تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی را شناسایی نماید. پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از: آسیب‌های تربیت دینی کودکان در مقطع پیش‌دبستانی کدام است؟ راه‌حل‌های مناسب برای درمان این آسیب‌ها چیست؟ و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان نظرات مصاحبه‌شوندگان حوزه‌های مختلف وجود دارد؟ مطالعه حاضر از جمله تحقیقات کیفی است. در این مطالعه از مصاحبه نیمه‌باز و روش نمونه‌گیری هدفمند برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. تعداد مصاحبه‌شوندگان ۱۸ نفر است که ۸ نفر متخصص علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۴ نفر علوم دینی، ۲ نفر ادبیات کودک و ۴ نفر مربی پیش‌دبستانی هستند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای عرفی یا رابطه‌ای بهره گرفته شد، به این صورت که نتایج از درون داده‌ها به دست آمده‌اند. عمده‌ترین آسیب‌های شناسایی شده در این مطالعه عبارت‌اند از: عدم توجه به اصل دینی‌یابی، عدم توجه به تجارب دینی فردی، در نظر نگرفتن اصل فطرت، عدم دین‌محوری در برنامه‌تعلیم و تربیت، عدم رعایت آزادی در تعلیم و تربیت به‌ویژه تربیت دینی، رعایت نکردن میانه‌روی و سرانجام عدم به‌کارگیری تخیل و استفاده از زبان هنر.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، تعلیم و تربیت دینی، پیش‌دبستانی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم دینی، ادبیات کودک

Email: bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

Email: baran391@yahoo.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

** کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۰۱/۳۰

مقدمه

خداوند آدمی را با سرشتی پاک خلق کرده و از روح الهی خویش در او دمیده است. آدمی با زیستن در دنیا و پیروی از وسوسه‌های نفسانی به تدریج از این فطرت دور می‌شود و محیط و تربیت ناسالم نیز به این دوری دامن می‌زند. این حالت می‌تواند با عملکردی متفاوت و مثبت و نیز محیط و تربیتی سالم به سمت رشد و تعالی باشد. می‌توان گفت که دوران کودکی نزدیک‌ترین دوره انسان به سرشت پاک او است. اهمیت این دوره و میزان اثرگذاری فراوان آن در دوره‌های بعدی بر اهمیت نحوه تربیت دینی و آشنایی با چالش‌ها و نیازمندی‌های تربیت دینی در این دوران می‌افزاید.

امین پور بابی از انجیل را که شاهدهی بر اهمیت دوران کودکی و نزدیکی آن دوران به فطرت است، این چنین نقل می‌کند:

نزد عیسی آمدند و گفتند: چه کسی در ملکوت آسمان بزرگ‌تراست؟ آنگاه عیسی طفلی را در میان ایشان برپای داشت و گفت: هر آینه به شما می‌گویم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید، هرگز به ملکوت آسمان راه نمی‌یابید (انجیل متی، باب ۱۸؛ به نقل از: امین پور، ۱۳۸۵).

بنابراین با توجه به اهمیت فراوان دوران کودکی به عنوان نزدیک‌ترین دوره زندگی انسان به فطرت، سستی از پرداختن به تربیت دینی و یا اقدام‌های نادرست در این زمینه چالش بزرگی در مسیر تربیت دینی در سراسر زندگی انسان شمرده می‌شود.

تربیت دینی فرایندی است که در راستای ارضای نیاز فطری به دین، بخش مهمی از زندگی افراد را دربر می‌گیرد. اگر الگوی مطلوبی برای تربیت دینی در دسترس متصدیان این امر نباشد، به خطا رفتن آنها در فهم اهداف، روش‌ها و محتوای تربیت دینی لطمه بسیار سنگینی به رشد دینی افراد وارد می‌سازد (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۱۲).

در ضرورت و اهمیت پرداختن به تربیت دینی کودکان، پیامبر(ص) فرموده‌اند: «لان یؤدب الرجل ولده خیر له من ان یتصدق بنصف صاع کل یوم؛ اگر پدری فرزندش را تربیت کند بهتر از این است که روزی یک و نیم کیلوگرم طعام صدقه بدهد» (حر عاملی، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۵). این اهمیت فراوان تربیت دینی کودک ایجاب می‌کند که در راستای ارائه راهکارها و تأمین نیازمندی‌ها پیش از هر اقدامی وضعیت موجود را آسیب‌شناسی کرده و چالش‌ها را بررسی نمود. باهنر معتقد است:

دلیل عمده عدم موفقیت در راه تربیت دینی کودکان، نقص در برنامه‌ها است نه در کودکان. عدم آگاهی از برداشت‌های کودکانه، تعلیم و تربیت ما را دچار نواقص و

کمبودهای گوناگونی خواهد کرد؛ از جمله اینکه سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم کودکان متناسب نباشد و گاه این مایه خستگی و دلزدگی آنان از معارف دینی و حتی اصل اسلام شود (باهنر، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴).

شناخت آسیب‌های پیش روی تربیت دینی کودکان و بررسی منشأ پیدایش این آسیب‌ها کمک می‌کند تا در جهت رفع آنها کار مفیدتری انجام داده و از برخورد سطحی با آنها پرهیز کرد. در ارتباط با این آسیب‌ها بسیار مشاهده می‌شود که متخصصان در صحبت‌های مختلف خود مطالب مهمی را مطرح می‌کنند که گاه این مطالب در کتاب‌ها آورده نمی‌شود و یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر ضرورت بررسی دقیق این نظرات را برای دست یافتن به مجموعه‌ای از آسیب‌ها مشخص می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت مسئله اصلی در این پژوهش این است که چالش‌های پیش روی تربیت دینی کودکان را از نظر برخی از صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف بررسی کرده و براساس آن چالش‌ها، راه‌حل‌هایی برای بهبود وضعیت تربیت دینی کودکان ارائه دهد.

در این تحقیق منظور از تربیت دینی طبق تعریف داودی «مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند» (داودی، ۱۳۸۳، ص ۲۶)، در نظر گرفته شده است.

روش پژوهش

از میان طرح‌های تحقیق موجود برای بررسی موضوعات علمی یعنی طرح‌های کمی، کیفی و تلفیقی در این تحقیق از طرح کیفی استفاده شده است. گردآوری اطلاعات برای پی بردن به آسیب‌های پیش روی تربیت دینی کودکان در مقطع پیش‌دبستانی از روش مصاحبه عمیق با گروهی از متخصصان حوزه تربیت دینی صورت گرفته است.

مصاحبه^۱ (نیمه‌سازمان یافته)

مصاحبه از روش‌های شناخته‌شده‌ای است که به هنگام جمع‌آوری داده‌ها به صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد (مارشال و راسمن،^۲ ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). در مصاحبه سؤال‌های کلی از قبل طراحی شده و هدف کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه‌شونده است. این روش با انعطاف‌پذیری به تنظیم سؤال‌ها براساس پاسخ‌های آزمودنی می‌پردازد.

1. interview

2. Marshall & Rossman

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق کیفی نمونه‌گیری هدفمند است. یعنی نمونه‌ها انتخابی است و گزینه‌هایی که ما را بیشتر به پاسخ مطلوب نزدیک می‌کردند، انتخاب شده‌اند. بنابراین تعدادی از متخصصان به عنوان نمونه هدفمند انتخاب شدند و دیدگاه‌های آنها پیرامون اهداف و اصول تربیت دینی در دوره کودکی از طریق مصاحبه‌ای عمیق و به صورت نیمه‌سازمان یافته به دست آمد.

حجم نمونه در این تحقیق ۱۸ نفر است که از این تعداد ۸ نفر متخصص علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۴ نفر متخصص علوم اسلامی، ۲ نفر متخصص ادبیات کودک و ۴ نفر مربی پیش‌دبستانی هستند.

نظرات مصاحبه‌شوندگان به روش مقایسه مستمر داده‌ها حاصل شده است. رویکرد این پژوهش، توصیفی - تفسیری است. شی‌یه و شانون^۱ می‌گویند: در این رویکرد ابتدا اطلاعات گردآوری شده را بدون اعمال نظر و بدون توجه به چرایی آن توصیف کرده، بعد با استفاده از تفکر و استدلال به تحلیل اطلاعات می‌پردازیم (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵).

بنابراین، نظرات ابتدا توصیف شده و سپس به روش تحلیل محتوای رابطه‌ای (R. C. A)^۲ (پالم کوئیست، ۱۹۹۷؛ به نقل از: مزیدی، ۱۳۸۵) یا تحلیل محتوای عرفی (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵) تحلیل شده‌اند، یعنی نتایج از درون داده‌ها به دست آمده است.

محقق ابتدا متن مصاحبه‌های موجود را تحلیل محتوا کرده و با استخراج مقوله‌ها و نشانگرهای موجود در متن برای رسیدن به پاسخ مطلوب برای پرسش اصلی تحقیق تلاش می‌کند، تا از راه توصیف نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره چالش‌های تربیت دینی کودکان و راه‌حل‌های مناسب برای رفع این آسیب‌ها به نتیجه مطلوب دست یابد. واحد تحلیل در این تحقیق جمله و پاراگراف می‌باشد.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

استروس و کربین سه رویکرد را در تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی ارائه داده‌اند که عبارت‌اند از: الف) رویکرد توصیفی؛ ب) رویکرد توصیفی - تفسیری (میکات و مورهاوس، ۱۹۹۴، ص ۱۲۲)؛ ج) رویکرد تفسیری - تجریدی (بلنکی، ۱۹۹۲؛ به نقل از: میکات و مورهاوس، ۱۹۹۴، ص ۱۲۲) رویکرد مورد نظر در این تحقیق رویکرد توصیفی - تفسیری است.

1. Shieh & Shanon
2. Relational Content Analysis

سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

سؤالات اصلی:

۱. آسیب‌پذیری‌های تربیت دینی کودکان در مقطع پیش‌دبستانی براساس نظر مصاحبه‌شوندگان کدام است؟
۲. راه‌حل‌های مناسب برای درمان آسیب‌های شناسایی‌شده در این مقاله براساس نظر مصاحبه‌شوندگان چیست؟

سؤال فرعی:

چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان نظرات مصاحبه‌شوندگان حوزه‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، دینی، ادبیات و مریبان وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با آسیب‌شناسی تربیت دینی به صورت عمومی و کلی می‌توان به مقالات زیادی اشاره کرد، اما در میان آنها مقاله‌ای که از نظر موضوع و روش کار مشابه این مقاله باشد، چندان کار نشده است.

در ذیل به برخی از مقالات مربوط به آسیب‌شناسی تربیت دینی اشاره می‌شود:
حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰ب) در کتاب بررسی و نقد اجمالی منابع موجود در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی، به بررسی و نقد آثار موجود در این زمینه می‌پردازد. وی در این مورد می‌گوید:
در حوزه آسیب‌شناسی تربیت دینی، توجه به این نکته لازم است که هرچند تربیت دینی سالیانی است بر سر زبان‌ها جاری است و صفحاتی از کتاب‌ها، مجلات و... را به خود اختصاص داده است ولی هم تربیت دینی و هم آسیب‌شناسی آن، حوزه‌هایی بکر و ناکاویده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰ب)

وی سپس به کارهایی که در این زمینه انجام شده اشاره می‌کند، که در اینجا برخی از آنها به نقل از حاجی ده‌آبادی آورده می‌شود:

دلشاد تهرانی (۱۳۸۰) کتابی با عنوان آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج‌البلاغه دارد. این کتاب آنچنان که خود نویسنده نیز تصریح دارد، گزیده‌ای است از مباحث آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج‌البلاغه و نه تمام آنچه در این باره در نهج‌البلاغه آمده است (ص ۳۶). در عین حال باید پذیرفت که نویسنده کوشیده است در حد امکان بیشترین استفاده را از نهج‌البلاغه داشته باشد (همان، ص ۳۳۳).

کریمی (۱۳۷۴) کتابی با عنوان تربیت آسیب‌زاد دارد. این کتاب دربردارنده مباحثی در باب اثرات پنهانی و ناخوشایند تربیت آسیب‌زا است که نویسنده براساس مشاهدات و تجربیات شخصی و حرفه‌ای خود و یا با تکیه بر یافته‌های پژوهشی و نتایج مطالعات تجربی، آنها را گردآوری کرده است. این مباحث درواقع، دربردارنده آن دسته از موانع و آسیب‌های تربیتی است که اولیا و مربیان با هدف تربیت به آن دامن می‌زنند، آسیب‌هایی که بیشتر ناآگاهانه، ناهشیارانه، ناخواسته اما دلسوزانه و خیرخواهانه است. در این کتاب از موضع آسیب‌شناسی تربیتی به پاره‌ای از عوامل بازدارنده همچون: آموزش‌های صوری، عادت‌های کلیشه‌ای و مکانیکی بحث شده است (همان، ص ۳۳۴).

کریمی (۱۳۷۴) همچنین در کتاب رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی، با اشاره به آسیب‌هایی که به سبب باورها و برداشت‌های نادرست از تربیت دینی وجود دارد که به تبع خود روش‌های ناصوابی را تجویز می‌کند، درصدد ارائه تلقی نوینی از تربیت دینی است که البته تحقق آن دیگر با استفاده از روش‌های رایج امکان‌پذیر نیست و تحولی عمیق در روش‌ها را می‌طلبد. از دیدگاه نویسنده وضعیت کنونی تربیت دینی در دنیا وضعیتی بحرانی است، بحرانی که بنیان درون و بیرون آدمی را از هم گسسته و او را به وادی ضلالت و تباهی کشانده است (همان).

کار تحقیقی دیگری که در زمینه آسیب‌ها انجام شده است، مجموعه‌ای با عنوان آسیب‌شناسی تربیت دینی در گفتگو با اندیشمندان حوزه و دانشگاه به کوشش اسدالله مرادی (۱۳۸۵)، جهت ارائه به همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی است. وی در این کتاب به گفتگو با گروهی از اندیشمندان پرداخته است.

از جمله احمدی (۱۳۸۸، ص ۸۵) در مصاحبه خود در این کتاب رسوخ نکردن علم در جان آدمی و رسوخ نکردن ایمان و اعتقاد در روح انسان را چالشی مهم و اساسی در زمینه تعلیم و تربیت می‌داند. دینانی (۱۳۸۸، ص ۸۵-۱۷) «قشریت و جمود بر ظواهر و نفی معانی باطنی» را به عنوان آسیبی جدی تلقی می‌کند و به تفصیل در مورد آن بحث می‌کند. حاضری (۱۳۸۸، ص ۶۵) جوهره الزام‌آور سیستم آموزشی رسمی و در تعارض بودن آن با جوهره دین که سلب و نقض اجبار است را به عنوان چالشی جدی بیان می‌کند. از نظر مرادی (۱۳۸۸، ص ۶۲) نبود عنصر انتخاب، آگاهی و اشتیاق در درس دینی در مدارس و به نوعی اجبار یک آسیب جدی در زمینه تعلیم و تربیت است.

از جمله مقالات دیگری که در این زمینه کار شده است می‌توان به مقاله دانشگر، جعفری و لیاقت‌دار (۱۳۸۳) با عنوان «آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه آموزشی آن»، مقاله محمدعلی حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰ الف) با عنوان «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی»، مقاله خسرو باقری (۱۳۸۰) با عنوان «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، مقاله حسین خنیفر (۱۳۸۰) با عنوان «درآمدی بر اصول پیشگیری از آسیب‌مندی تربیت دینی» اشاره کرد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود علی‌رغم اینکه کارهای مختلفی در قالب کتاب و مقاله در زمینه آسیب‌های تربیت دینی کار شده است و علی‌رغم مشترکاتی که می‌تواند میان آنها با پژوهش حاضر وجود داشته باشد، پژوهشی که دقیقاً به موضوع آسیب‌های تربیت دینی در این رده سنی خاص یعنی مقطع پیش‌دبستانی، آن هم از طریق رویکرد و روش تحقیق حاضر پرداخته باشد، دیده نمی‌شود.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش پس از ارزیابی مصاحبه‌ها، مقوله‌ها استخراج شده و با انجام مقایسه مستمر بین داده‌ها مقولاتی که با یکدیگر همپوشانی داشتند، ذیل یک عنوان قرار داده شد و مقوله‌های کلی‌تر به عنوان یافته‌های حاصل از این پژوهش در جدول آورده شد. برای اینکه بتوان تفاوت‌ها و شباهت‌های متخصصان حوزه‌های مختلف را مورد ارزیابی قرار داد، به هر حوزه تخصصی ستونی اختصاص داده شده و فراوانی مربوط به هر مؤلفه در آن ستون آورده شده است.

همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، ۳۵ مؤلفه به عنوان آسیب از نظرات مصاحبه‌شوندگان استخراج شده است. بیشترین تأکید مصاحبه‌شوندگان در بیان آسیب‌ها، در حاشیه قرار گرفتن دین و طرح مجزا و مستقل آن از سایر علوم است. آنها به این نکته مهم اشاره کردند که در سیستم فعلی هر بحثی به صورت جداگانه مطرح می‌شود و به دین نیز در کنار دیگر یادگیری‌ها پرداخته می‌شود. از سوی دیگر بسیاری از معلمان نیز توانمندی و هنر لازم را برای برقراری ارتباط موجود بین دین و سایر علوم ندارند و بدین ترتیب، تربیت دینی به عنوان یک امر حاشیه‌ای در کنار سایر مباحث قرار می‌گیرد. همچنین هدف شدن رشد علمی و توجه زیاد به محفوظات منجر به غفلت از تربیت درونی و تقویت حس مذهبی می‌شود.

به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان اگر دین را به معنای گسترده و محوری آن در نظر بگیریم، دیگر جداسازی آن از امور دیگر معنا ندارد. در راستای این جداسازی در ذهن بچه این‌گونه جا می‌افتد که دین تنها در مراکز مذهبی و در دروس دینی است و مثلاً پزشکی و فیزیک ربطی به دین ندارد و از آنجا که گذران زندگی به این علوم بستگی دارد، آنها در رأس توجه و اهمیت قرار می‌گیرند و دین به حاشیه می‌رود. اما در اسلام این جدایی وجود ندارد و همه کارهای مفید دینی هستند.

دیگر آسیب‌ها در جدول آورده شده و پس از آن در یک تقسیم‌بندی کلی تشریح می‌شود:

| ردیف | مؤلفه‌ها | مربیان | روان‌شناسی | دینی | ادبیات | فراوانی کل |
|------|---|--------|------------|------|--------|------------|
| ۱ | عدم شایستگی کافی مربی از نظر علمی - اعتقادی - انگیزشی | ۱ | ۲ | ۳ | | ۶ |
| ۲ | هدف شدن رشد علمی و افزایش محفوظات به جای تربیت دینی و تقویت حس مذهبی و رشد دینی | ۳ | | ۳ | ۲ | ۸ |
| ۳ | جدایی موضوعات مختلف از دین و حاشیه‌ای شدن آن | | ۵ | ۳ | | ۸ |
| ۴ | تعارض، دوگانگی، برخورد تصنعی، تضاد فرهنگی در گروه‌های مختلف خانه، مدرسه، جامعه و رسانه | ۱ | ۱ | ۳ | | ۵ |
| ۵ | امر و نهی زیاد و سختگیری در القای مسائل | ۲ | | ۱ | | ۳ |
| ۶ | ترساندن کودک از عذاب و جهنم و گناه و عصیان | ۱ | ۲ | ۱ | | ۴ |
| ۷ | تفکیک حس و عمل و شناخت مذهبی | | | ۱ | | ۱ |
| ۸ | محدودیت در امکانات برای تربیت دینی | | | ۱ | | ۱ |
| ۹ | طرح مسائل انتزاعی برای کودک برخلاف اهداف دوره | | | ۱ | | ۱ |
| ۱۰ | عدم ورود بسیاری از مربیان به حوزه دین و تربیت | | | | | |
| ۱۱ | چالش‌های موجود در کتاب‌ها، روش‌های ارائه، اجرا و محیط آموزشی | | ۲ | | | ۲ |
| ۱۲ | استدلال وجود خدا با معاند و مشرک بودن بچه‌ها | | | | ۲ | ۲ |
| ۱۳ | اهمیت نمایش دادن حفظیات کودک به والدین و غفلت از ورود به راه دین | | | | ۱ | ۱ |
| ۱۴ | شروع تربیت دینی با باید و نبایدها و احکام و توجه نکردن به ایجاد شوق | | | | ۱ | ۱ |
| ۱۵ | متخصص، عامل و معتقد نبودن مدیران مدارس | ۱ | | | | ۱ |
| ۱۶ | گزینش مقطعی مربیان از لحاظ علمی و اخلاقی (ضعف در گزینش مربیان) | ۱ | | | | ۱ |
| ۱۷ | اکتفا کردن به حداقل‌ها در مدارس پیرامون مسائل دینی | ۱ | | | | ۱ |
| ۱۸ | فاصله گرفتن ذهن بچه از کودکی با کاربرد الفاظ بزرگانه و مطالب نامأنوس با سن کودک و استفاده از الگو و برنامه افراد بزرگسال و بی‌تمایلی کودکان | ۱ | ۲ | | | ۳ |
| ۱۹ | تنوع فرهنگ و تفکرات خانواده‌ها و مشکل در توجیه و همگام کردن آنها با مدرسه | ۱ | ۲ | | | ۳ |

| ردیف | مؤلفه‌ها | مربیان | روان‌شناسی | دینی | ادبیات | فراوانی کل |
|------|---|--------|------------|------|--------|------------|
| ۲۰ | عادت دادن کودک به اموری که مطابق با مرحله رشد و ویژگی‌های درونی‌اش نیست | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۱ | فاصله گرفتن مناسک از ماهیت درونی و فطری و کم شدن رسالت دینی آنها | | ۲ | | | ۲ |
| ۲۲ | غیر رسمی بودن دوره پیش‌دبستانی، دارا بودن متولیان دولتی و غیر دولتی و نگاه‌های متعدد | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۳ | غیر رسمی بودن نیروها و ماندگار نبودن آنها در پیش‌دبستانی و ایجاد مشکل در آموزش | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۴ | تبدیل زندگی دینی به دخالت دین در زندگی، دین به عنوان مانع و عامل بازدارنده در مقابل پیشرفت اجتماعی نه یک ضرورت در زندگی | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۵ | آشکار و شناخته نبودن محتوای تربیت دینی | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۶ | تبدیل شدن معرفت دینی ذهنی به معارف و مکارم دینی | | ۴ | | | ۴ |
| ۲۷ | جدا بودن مدارس ادیان مختلف و عدم ایجاد درک کودکان از تنوع ادیان و در عین حال وحدت‌گرایی | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۸ | انتقال و دریافت نادرست زمینه‌های فرهنگی و وجود شکاف بین نسل‌ها و دور شدن فرزندان از فرهنگ و بخش ضروری آن یعنی دین | | ۱ | | | ۱ |
| ۲۹ | پرداختن به تربیت دینی بدون ایجاد بافت دینی | | ۱ | | | ۱ |
| ۳۰ | ارائه تصویر غلط از خداوند و توأم کردن نام خدا با بدبختی و فقر | | ۱ | | | ۱ |
| ۳۱ | نداشتن تنوع دیدگاه و نگاه تک‌بعدی | | ۱ | | | ۱ |
| ۳۲ | آموزش مطالب غیر دینی و استفاده از روش‌های نامتناسب با دین به اسم دین | | ۱ | | | ۱ |
| ۳۳ | قطع شدن ارتباط اجتماعی بین عناصر مختلف جامعه به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌ها | | ۱ | | | ۱ |
| ۳۴ | غفلت از فانتزی و تخیل در ادبیات کودک و عدم توجه به نیازها و رغبت‌های او | | | ۲ | | ۲ |
| ۳۵ | عدم توجه به کنش‌های آزاد و فطرت الهی در کودک و تربیت تحمیلی و صنعتی | | ۱ | | ۱ | ۲ |

در زیر نتایج حاصل از مصاحبه‌ها پیرامون آسیب‌های پیش روی تربیت دینی کودکان در مقطع پیش‌دبستانی آورده می‌شود.

توصیف و تشریح مؤلفه‌ها

به‌طور کلی می‌توان چالش‌های پیش روی تربیت دینی در شرایط فعلی را از نظر مصاحبه‌شوندگان مربوط به چند حوزه زیر دانست:

الف) چالش‌هایی که به عملکردهای مسئولان برمی‌گردد و سازمان‌های بالادست و برنامه‌ریز تا سازمان‌های پایین‌تر و با مسئولیت کمتر را دربر می‌گیرد.

نمونه‌ای از این آسیب‌ها که از سوی مصاحبه‌شوندگان به تفصیل ذکر شده عبارت‌اند از: غیر رسمی بودن دوره پیش‌دبستانی، دارا بودن متولیان دولتی و غیر دولتی، وجود نگاه‌های متعدد و متفاوت در خصوص مسائل تربیتی، غیر رسمی بودن نیروها و ماندگار نبودن آنها در پیش‌دبستانی‌ها که کار را برای آموزش‌مربیان مشکل می‌کند. هزینه زیادی صرف آموزش گروهی از مربیان می‌شود و این در حالی است که سال بعد بسیاری از آنها از سیستم خارج می‌شوند و افراد دیگری وارد می‌شوند. البته برخی با این نظر مخالف بوده و عدم توجه به نگاه‌های مختلف را آسیب می‌دانستند.

چالش دیگر فاصله افتادن بین کودکان و زمینه‌های فرهنگی دینی است که از عوامل مهم آن عدم عملکرد درست مسئولان در رده‌های مختلف است. قطع شدن ارتباط بین عناصر مختلف جامعه که منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و یک‌وجهی و نه جامع و همه‌جانبه در جامعه می‌شود و به جای در نظر گرفتن نگاه‌های گوناگون، تصمیم‌ها را به سمت نگاه تک‌بعدی می‌کشاند. محدودیت قائل شدن در اختصاص دادن امکانات و بودجه به مدارس برای اقدام عملی در زمینه تربیت دینی، مشکلی دیگر در این زمینه محسوب می‌شود. آسیب دیگر به مدیران مدارس، نوع نگرش و میزان اعتقاد و انگیزه آنها در تربیت دینی برمی‌گردد. بی‌شک التفات مدیران به تربیت صحیح دینی، راه مؤثری در حرکت مربیان به این سمت است. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان، جدا کردن مدارس کودکان ادیان مختلف از یکدیگر نیز یک آسیب شمرده می‌شود؛ زیرا منجر به عدم درک کودکان نسبت به مفهوم وحدت ادیان در عین کثرت می‌شود. البته این مورد نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد تا بتواند به عنوان یک آسیب مطرح شود.

ب) آسیب‌هایی که متوجه مربیان است، این آسیب‌ها از سویی به ایرادات گزینش مربی برمی‌گردد. گزینش براساس معیارهایی که اهمیت چندانی ندارد و غفلت از معیارهایی که اصل در تربیت محسوب می‌شود. آسیب دیگر مربوط به عدم صلاحیت کافی مربیان از نظر علمی - اعتقادی - انگیزشی و نداشتن هنر و مهارت لازم برای مربیگری است. عمل نکردن به گفته‌ها و تضاد و تعارض میان گفته‌ها با نوع اندیشه و عمل، مربی را یک مربی مصنوعی می‌کند و حرف او را بی‌تأثیر می‌سازد. این تعارض وقتی مشکل‌سازتر است که در رفتار و

گفتار دیگر مسئولان تربیتی و کادر آموزشی و جامعه و... نیز دیده شود. از دیگر آسیب‌های این حوزه بسنده کردن به حداقل‌ها در زمینه مسائل دینی است.

ج) آسیب‌هایی که مربوط به حوزه خانواده‌ها می‌شود عبارت است از: تنوع فرهنگ‌ها و تفکرات خانواده‌ها که باعث می‌شود توجه آنها و همگام کردنشان با اهداف تربیت دینی کودکان سخت شود. این تنوع در پاره‌ای مواقع به تعارض جدی بین فضای مدرسه و خانه می‌رسد. با فرض عملکرد صحیح مدرسه در مسائل دینی باید در نظر داشت که مشاهده تعارض در خانواده که تأثیر مستقیم و بیشتری بر کودک دارد، نتیجه کارهای مدرسه را تا حد زیادی از بین می‌برد.

د) آسیب‌های مربوط به اهداف، روش‌ها، محتوا و عدم توجه به اصول تربیت دینی کودک موارد ذیل را شامل می‌شود: آسیب‌های مهم در زمینه اهداف که به روح حاکم بر فضای آموزش و پرورش برمی‌گردد، هدف شدن رشد علمی و افزایش محفوظات و نیز ارزیابی بر مبنای این محفوظات است. در حالی که می‌بایست به جای ارائه این همه مطالب گسترده و موضوعات متنوع در این دوره مهم‌ترین هدف رشد و تربیت دینی و تقویت حس مذهبی باشد.

عدم توجه به برخی از اصول تربیتی از جمله در نظر نگرفتن اصل آزادی، محوریت دین، توأم بودن حس و عمل و شناخت مذهبی، فطرت الهی، تناسب عمل با توانایی و فهم کودک، اثرگذاری محیط و بافت، از دیگر چالش‌های مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بود. بی‌توجهی به این اصول، در عمل منجر به استفاده از روش‌های نادرستی از جمله اجبار و سختگیری و امر و نهی زیاد، ترساندن کودک از عذاب و جهنم، جدایی حس عمل و شناخت مذهبی، حاشیه‌ای شدن دین و جدایی موضوعات گوناگون از دین و تبدیل زندگی دینی به دخالت دین در زندگی، استدلال وجود خدا با فرض معاند و مشرک بودن بچه‌ها، استفاده از الگو و برنامه افراد بزرگسال و فاصله گرفتن ذهن بچه از کودکی با به کار بردن الفاظ بزرگانه، عادت دادن کودک به اموری که مطابق با مرحله رشد و ویژگی‌های درونی‌اش نیست، می‌شود. در زمینه محتوا نیز مهم‌ترین آسیب را می‌توان غفلت از فانتزی و تخیل در ادبیات کودک و عدم توجه به نیازها و رغبت‌های کودک دانست، که ناشی از عدم شناخت کافی از ویژگی‌های کودکان در این دوره است و ضرورت بررسی ویژگی‌های شناختی و عاطفی و اجتماعی کودکان را یادآور می‌شود. آموزش مطالب غیر دینی به اسم دین، ارائه تصویر غلط از خدا و توأم کردن نام خدا با بدبختی و فقر، تبدیل نشدن معرفت

دینی ذهنی به معرفت قلبی و به دلیل خوب کار نکردن روی محتوا و استفاده نکردن از هنر برای پایدار کردن پیام، مشخص بودن محتوا در قرآن و سنت اما آشکار نشدن آن توسط صاحب نظران، آموزش مناسک بدون عدم توجه به ماهیت درونی و فطری آنها و تنها آموزش ظاهر عبادات و درگیر نشدن با روح آداب دینی، شروع تربیت دینی با باید و نبایدها و احکام و غفلت از ورود به راه دین از راه عاطفه و احساس درونی، از دیگر آسیب‌های مربوط به محتوا از نظر مصاحبه‌شوندگان است.

راه‌حلهایی برای رفع آسیب‌های شناسایی شده

با توجه به چالش‌های موجود نظرات و پیشنهاداتی از سوی مصاحبه‌شوندگان به عنوان راه‌حلهایی برای بهبود شرایط بیان شد که در زیر آورده می‌شود.

الف) تبیین و تصریح اهداف، اصول، روش‌ها و محتوا؛

ب) نیاز به بررسی دقیق ویژگی‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی و توانمندی‌های کودکان در دریافت‌های دینی.

این امر پژوهشگر را ملزم به پرداختن به این سؤال در ادامه مصاحبه‌ها نمود که در ذیل برخی مؤلفه‌ای اشاره شده توسط مصاحبه‌شوندگان درباره ویژگی‌های ایمان کودکان آورده می‌شود.

ویژگی‌های ایمان کودک در این سن

در این سن کودک دارای انگیزه ایمانی مادی، خودخواهانه و «من‌محور» است. کودک در این سن به صورت فطری در جستجوی موجودی فوق طبیعی و جاودانه یا یک منبع روحانی سازنده اشیا است و به صورت فطری رابطه با خدا را برای رفع نیازهای مادی و تهدیدهای بیرونی جستجو می‌کند. نخستین احساس احترام و ارزش قائل شدن برای خدا در این سن دیده می‌شود. برای اطاعت از خدا استدلال ارائه می‌کند، ماهیت کنش رابطه با خدا را می‌فهمد، تصویری از خدا در ذهن خلق کرده و برخی صفات او را درک می‌کند، خودآگاهی نسبت به مرگ، جنسیت و محرمانت ایجاد شده توسط خانواده، اندیشه درباره خدا مبتنی بر ادراکات، احساس تجربی، استعاره و تمثیل عرضه شده در معرفی خدا، ظهور احساس وظیفه و تکلیف در برابر خدا در شکلی بسیار ابتدایی در این سن شکل می‌گیرد. کودک ایمان را از جنبه‌های مشهود ایمان بزرگسال یعنی آنچه در اعمال و رفتار عینی

بزرگسال می‌بیند، دریافت می‌کند یعنی اعمال و رفتارهای عینی بزرگسال را مشاهده کرده و از مشاهداتش الگوگیری می‌کند.

در ارتباط با ویژگی‌های ایمان کودکان در این سن، آنچه که در بالا، توسط مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است، نتیجه بررسی نظرات اندیشمندان غربی از جمله پیاز (۱۹۲۵)، بویاتزیس (۲۰۰۵)، ال‌کایند (۱۹۷۰)، گلدمن (۱۹۶۴)، پالوتزیان (۱۹۹۶) و هارمز (۱۹۴۴) بوده است.

ج) ارائه ویژگی‌ها و خصوصیات مربی مطلوب برای تربیت دینی و اقداماتی که بایستی در جهت تربیت مربی انجام داد.

از مهم‌ترین خصوصیات مربی، مربی بودن او و داشتن هنر و مهارت مربیگری است. مربی که هنر مربیگری ندارد هر چقدر هم که آموزش ببیند، باز یک مربی مصنوعی است و تأثیری لازم را ندارد. مربی واقعی در دل خود هدف، روش و محتوا را دارد و تنها در این صورت است که آموزش مربی سودمند است. دیگر ویژگی‌هایی که در خصوص مربی آورده شده است به‌نوعی ذیل این مفهوم یعنی داشتن هنر می‌گنجد؛ یعنی مربی که هنر و مهارت لازم را برای تربیت دینی دارد، نسبت به روحیات و خصوصیات کودکان شناخت دارد، قدرت برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی و ایجاد ارتباط قلبی و عاطفی با کودک را دارد، دارای تجربه، علاقه، انگیزه پرداختن به تربیت دینی، اعتقاد کافی، خلاقیت، قدرت چاره‌اندیشی در مقابل ناهنجاری‌های رفتاری است. عامل به گفته‌های خود و رعایت‌کننده نظم است. از زیاده‌روی در بیان نظریات خود خودداری می‌کند و بر شیوه‌های تلفیقی و به‌هم‌تنیده تسلط دارد.

در ارتباط با آموزش مربی به شرط مربی بودن باید به او در شناخت استانداردهای یک مربی مطلوب دینی با آموزش‌های مختلف مکتوب و گفتاری، کارگاه و کلاس‌های آموزشی، برنامه‌ریزی و ارائه محتوا یاری کرد.

مقایسه مؤلفه‌های آسیب‌های تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی

در زمینه آسیب‌ها بیشترین فراوانی‌ها مربوط به حوزه روان‌شناسی است که علت اصلی آن بیشتر بودن تعداد مصاحبه‌شوندگان است. از میان مؤلفه‌ها حدود ۱۴ مؤلفه تنها توسط یک یا دو نفر از مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره بوده که مورد توجه دیگر حوزه‌ها نیز نبوده است. برخی از این مؤلفه‌ها مربوط به سازمان‌های برنامه‌ریز و وضعیت ناپایدار مربیان، مشکلات

سازمانی و تعدد متولیان بود، که تنها یک نفر از مصاحبه‌شوندگان - از مسئولان سازمان برنامه‌ریزی آموزش و پرورش - مطرح نمود و دیگر حوزه‌ها اطلاع زیادی از آن مشکلات و وضعیت دقیق پیش‌دستانی‌ها نداشتند، که این مطلب درحقیقت دوباره نیاز به ارتباط بیشتر حوزه‌های مختلف با مدارس را تذکر می‌دهد. برخی دیگر مربوط به نگاه تک‌بعدی و قطع ارتباط بین گروه‌های مختلف است، که به‌جدا از اهمیت برخوردار بوده و نکته‌ای کلیدی است. چرا که این ارتباط بین متخصصان مختلف، کلید قفل تک‌بعدی نگری بوده و بسیاری از آسیب‌های دیگر در زمینه اهداف، روش‌ها و محتوا را از بین می‌برد.

تصمیم‌گیری‌های جداگانه در حوزه‌های مختلف، درحقیقت حاصل کار هر حوزه را در حوزه‌ای دیگر (در اثر ناآگاهی) نابود می‌کند، در حالی که ارتباط تنگاتنگ گروه‌های مختلف و بهره بردن گروه‌ها از نظرات یکدیگر باعث جامعیت در تصمیم‌گیری و از بین رفتن اشتباهات و اشکالات ناآگاهانه می‌شود. در زمینه محتوا نیز به ارائه تصویر غلط از خداوند و نیز نحوه خاصی از دعا خواندن، مثلاً در حال گریه مطرح شد که باز هم نگاه خاص این حوزه بود.

یکی از آسیب‌هایی که در حوزه روان‌شناسی توسط یکی از مصاحبه‌شوندگان مطرح شد، این بود که محتوای تربیت دینی آشکار و شناخته شده نیست. این آسیب نکته‌ای بود که در نظر مصاحبه‌شوندگان در حوزه دینی و ادبیات نمود پیدا نکرده بود و شاید بتوان از سویی این ایراد را به این دو حوزه و ارتباط بین دو حوزه با یکدیگر برگرداند، چرا که هم متخصصان دینی در انتخاب و ارائه محتوا و نگرش دینی وظیفه سنگینی بر عهده دارند و هم متخصصان حوزه ادبی بهتر است که با ارتباطی عمیق این محتوای آشکار شده را با هنر درآمیزند و شفاف کنند. از دیگر چالش‌هایی که یکی از مصاحبه‌شوندگان روان‌شناسی به آن اشاره کرد و مورد توجه حوزه دیگری نبود و بر آن اتفاق نظر وجود نداشت، «جدایی مدارس ادیان مختلف از یکدیگر و آشنا نشدن بچه‌ها با وحدت در عین کثرت» بود، که در مورد آسیب دانستن یا نداشتن آن تردید می‌کنیم. شاید پس از پاسخ به چند پرسش که در این مورد به ذهن نگارنده رسیده است، بهتر بتوان نتیجه گرفت که این مورد آسیب شمرده می‌شود یا نه.

پرسش پژوهشگر: با توجه به کاستی‌هایی که در شرایط فعلی در تربیت دینی کودکان وجود دارد و با توجه به چالش‌های موجود در زمینه تربیت دینی و اسلامی، اولاً آیا این چالش در مقابل دیگر مشکلات تربیت دینی در این سن، آسیبی جدی محسوب می‌شود و

حل آن مشکلی از مشکلات پیش روی تربیت دینی برمی‌دارد؟ ثانیاً آیا نمی‌توان گفت به دلیل سختی کار در زمینه تربیت دینی روند کند سیستم آموزشی در آشنا کردن کودکان با اصول و مفاهیم دین اسلام، شناخت اسلام واقعی و دلبستگی با مفاهیم دینی، یکی بودن مدارس ادیان مختلف، خود می‌تواند مشکل‌ساز بوده و در سنین پایین شبهات و سؤالاتی را برای کودکان ایجاد کند که یافتن پاسخی متناسب با درک کودک برای آنها سخت باشد؟ آیا آشنا شدن تدریجی کودک با اسلام ناب و محتوای قرآن با ادامه در سنین بالاتر خود ایجادکننده نگرش وحدت ادیان نیست؟

- در حوزه آسیب‌ها بیشترین تأکید بر هدف شدن رشد علمی و نپرداختن به تقویت و رشد حس مذهبی و همچنین تفکیک موضوعات مختلف از دین و حاشیه‌ای شدن آن است که فراوانی هر دو ۸ نفر است.

- «تأکید بر هدف شدن رشد علمی» در بین مصاحبه‌شوندگان حوزه‌های دینی، ادبیات و مریدان مشترک است، اما در حوزه روان‌شناسی بیشترین فراوانی مربوط به حاشیه‌ای شدن دین است.

یکی از مؤلفه‌هایی که نیمی از مصاحبه‌شوندگان روان‌شناسی و علوم تربیتی به آن اشاره کرده‌اند و مرتبط با این دو آسیب یعنی «هدف شدن رشد علمی و حاشیه‌ای شدن دین» است، مؤلفه «تبدیل نشدن معرفت دینی ذهنی به معارف و مکارم قلبی» است. درحقیقت این آسیب نتیجه چالشی است که در هدف دیده می‌شود. وقتی رشد علمی محور نگرش در سیستم آموزشی شود و این نوع نگاه عمومیت پیدا می‌کند، همزمان با آن نگاه کمی افزایش می‌یابد و جریان به سمتی پیش می‌رود که حفظیات و پرورش ذهن اولویت پیدا می‌کند و کار عمقی و شکل دادن به معرفت درونی مورد غفلت واقع می‌شود. این آسیب همچنان با تجربی نبودن در روش‌ها و تنها ارائه مستقیم آنها مرتبط است. وقتی پیامی مستقیم یا حتی غیر مستقیم و با استفاده از شعر و داستان انتقال داده شود، اما کودک آن را در جریان زندگی خود نبیند و تجربه نکند نمی‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. تفاوت نمی‌کند موضوع یادگیری درس علوم یا شیمی باشد یا تربیتی دینی مد نظر باشد. این تجربه دین در فرایند زندگی درحقیقت همان ورود دین به زندگی و محوریت دینی یا کشف مؤلفه‌های دین است.

- در حوزه ادبیات علاوه بر مؤلفه مشترک یادشده یعنی غفلت از تقویت حس دینی و معرفت قلبی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

تخیل و فانتزی در این دوره از نظر مصاحبه‌شوندگان حوزه ادبیات آن‌قدر پررنگ بوده که در هر حیطة به آن پرداخته‌اند. متخصصان این حوزه معتقدند ذهن کودک ذهنی فانتزی و خیال‌پرداز است و پرداختن زیاد به واقعیات ذهن کودک را از خیال‌پردازی بازمی‌دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

داشتن احساس دینداری موهبتی است نجات‌دهنده در زندگی هر انسانی. آدمی نیازمند داشتن تکیه‌گاه و در نتیجه آن کسب آرامش در زندگی است. آرامشی که او را در مقابل هر سختی مقاوم کند و روحش را از ابتلای به سستی محفوظ دارد. هرچند که داشتن این حس نیاز به وجودی برتر و تکیه کردن به او که بالاترین مظهر دینداری است، امری فطری و درونی است و بدون دریافت‌های بیرونی هم خودبه‌خود قابلیت جوشش از درون و برون را دارد، اما نمی‌توان تأثیر یادگیری‌ها و بارش اطلاعات متضاد با فطرت را در ممانعت از فوران این احساس درونی و به بیراهه و کج‌راهه رفتن آن نادیده گرفت. احساس فطری دینداری باید در درون انسان بیدار بماند و روشنگری کند نه اینکه تنها در شرایطی مشخص مثل زمان‌های خاص نماز و عبادت ظهور یابد.

نیاز به دین یک نیاز فطری و احساس دینداری یک احساس درونی است و باید در وجوه مختلف انسان و در همه ابعاد زندگی او جاری و ساری باشد تا آن موقع که نیاز به آن احساس می‌شود با ظهور به موقع منجی انسان باشد. بی‌شک حسی که تنها در شرایطی خاص فرصت ظهور می‌یابد و در ذهن مخفی مانده و گویی که در حفره‌ای چال شده است، نمی‌تواند منجی باشد و دردی را دوا کند. دین زمان‌بندی‌شده، دین حاشیه‌ای و مدت‌دار آن احساس نیاز فطری به دینداری را تأمین نمی‌کند.

براساس آنچه که در این پژوهش به دست آمد، نظام تربیتی ما آسیب‌ها و چالش‌هایی را در مراحل مختلف از برنامه‌ریزی‌های اولیه تا اهداف جزئی و مراحل پایین‌تر اجرایی پیش رو دارد. بررسی دقیق و دسته‌بندی آسیب‌ها توجه ما را به اصولی جلب می‌کند که درحقیقت نبود آنها راه را برای ایجاد این آسیب‌ها باز کرده است و عدم توجه جدی به آنها در عمل منشأ ایجاد بسیاری از این چالش‌ها است.

از آنجا که در جدول آسیب‌ها به بیشتر موارد اشاره شده است، در این قسمت برای پرهیز از اطاله کلام تنها مواردی که بیشتر مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بوده و از نظر

نگارنده نیز مهم‌تر به نظر می‌آید، آورده شده‌اند. در زیر به برخی از آسیب‌ها در مقابل اصول مرتبط با آنها اشاره می‌شود:



با توجه به ارائه اصول مغفول واقع شده و در نتیجه آسیب‌های ایجاد شده که در بالا ذکر شد، مشاهده می‌شود که بیشترین آسیب‌ها به اصولی چون تجربه دینی فردی (دین‌یابی)، اصل

دین محوری، اصل فطرت، اصل حریت یا آزادی، اصل اعتدال و اصل تخیل (هنر) برمی‌گردد. بیشترین اشتراک در این آسیب‌ها مربوط به «افزایش محفوظات و کثرت ارائه اطلاعات و هدف شدن رشد علمی و نیز حاشیه‌ای شدن دین» است و همه اینها منجر به سطحی‌نگری و عدم رسوخ دین در قلب و جان آدمی و یا بسته شدن و محدود شدن آن در فضاهاى خاص دینی می‌شود. با بررسی اجمالی در نحوه اجرایی فعلی در برخی مدارس و محتواهای موجود در پیش دبستانی‌ها باز هم به نظر می‌رسد این آسیب چشمگیرتر است، آن هم نه فقط در مقطع پیش دبستانی، بلکه در همه سطوح آموزشی و پرورشی ما.

نکته‌ای که می‌توان به عنوان یک پرسش مطرح کرد این است که علی‌رغم ضرورت تبیین دقیق همه ابعاد تربیتی آیا بهتر نیست برای برنامه‌ریزی تربیتی در مقاطع مختلف از جمله مقطع پیش دبستانی با ادغام و تلفیق این ابعاد و تبدیل آنها به یک مؤلفه کلی‌تر و اساسی‌تر از تکرر و تعدد در کلام و در اهداف دوری کرد؟

آیا پرداختن به موضوعات متعدد و انباشتن ذهن کودک از مطالب فراوان منجر به عبور سطحی از این موضوعات و کمرنگ شدن تجربه دینی فردی و عدم درگیر شدن احساس و عاطفه وی نمی‌شود؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند راهبردی برای نگاهی نو به برنامه و نظریات کنونی باشد.

با توجه به نتایجی که در فرایند این تحقیق کیفی حاصل شد، نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان و برنامه‌ریزان فعلی بر سایه افکندن اصول بر کل آموزش‌های دیگر است، اصولی چون آزادی، تجربه فردی و بیدار شدن فطرت. هرچند که در شرایط فعلی هم این نگرش‌های و اهداف متعالی آن هم مبتنی بر اصول کلیدی و باارزش در ظاهر برنامه‌های آموزشی و تربیتی بسیار دیده می‌شود؛ اما متأسفانه وقتی این گفته‌ها و برنامه‌ها به حیطه عمل وارد می‌شود و در بستر اجرا جاری می‌گردد، به تدریج ماهیت اصلی خود را از دست داده و ما را به سمت نتایجی می‌برد که با اهداف اولیه و ازپیش تعیین شده فاصله‌ها دارد و روح حاکم بر آن از جنسی متفاوت با جنس اهداف متعالی‌مان است و شاید بتوان یک علت آن را بقای حاکمیت نگاه کمی‌گرا در لایه‌های مختلف فرایند تربیتی دانست. نگاهی که بیش از هر چیز به دنبال افزایش محفوظات، بالا بردن آمار و ارقام در برنامه‌های تربیتی و دینی مختلف و یا به عبارتی اصلاح ظاهر امور است و پرداختن به این ظواهر ناخودآگاه آن را از توجه به درون فرد، فرصت دادن برای تفکر، تجربه و تحول درونی و بیدار شدن فطرت الهی غافل می‌کند و اصول اولیه تربیت دینی را زیر پا می‌گذارد.

احمدی (۱۳۸۵، ص ۸۵) در مصاحبه خود در کتاب آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت، رسوخ نکردن علم در جان آدمی و رسوخ نکردن ایمان و اعتقاد در روح انسان را چالشی مهم و اساسی در زمینه تعلیم و تربیت می‌داند.

هرچند که این اصول و اهداف دلسوزانه توسط مسئولان در برنامه‌ها آورده شده است اما این قالب کمی‌گرا پذیرنده این اصول نیست. این قالب - به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان، قالب برنامه درسی از دور خارج شده غربی - با نگاهی از جنسی متفاوت با شرایط بومی و دینی ظرفیت پذیرش این اصول را ندارد و این تأکیدها به نظر چانه‌زنی‌هایی است که با دلسوزی هم صورت می‌گیرد، اما نتیجه نهایی کار را چندان تغییر نمی‌دهد و بهبود نمی‌بخشد، بلکه از جهتی ایجاد آسیب نیز می‌کند. زیرا محققان و برنامه‌ریزان را در شناسایی آسیب‌ها گمراه می‌کند. این نکته باید پرسشی اساسی برای یک محقق باشد که چرا اصل فطرت، اعتدال و یا آزادی با تمام قدرت، ظرفیت و توانایی‌ای که در اصلاح و پیشبرد امور دارند، نتوانسته‌اند نقشی پررنگ در تحول تربیت دینی ما در مدارس ایفا کنند؟

تأکید زیاد بر پاداش و تشویق بیرونی، خود اسباب دیگری برای ظاهرنگری و کار سطحی است. «نخستین گام در تربیت تلاش در جهت ایجاد انگیزه‌های درونی در فرد برای گرایش به دین و دینداری می‌باشد... اصول تربیت دینی عرفانی بنا به ماهیت خویش نمی‌تواند مدافع به‌کارگیری روش‌های بیرونی به منظور ایجاد انگیزه در متربیان باشد. به تعبیر زبان روان‌شناسی نوین استفاده از روش‌های رفتارگرایانه مثل تقویت مثبت و منفی، تشویق و تنبیه، شکل‌دهی رفتار و امثال آنها در تربیت عرفانی هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد. زیرا استفاده از این روش‌ها و ابزارهای متناسب آنها نه تنها منجر به ایجاد انگیزه‌های درونی و سالم و خالص نخواهد شد، بلکه تنها منجر به مجموعه‌ای تغییرات ظاهری، بی‌ثبات، متزلزل و بی‌ریشه در مرتبی می‌گردند. تغییراتی که بسیار آسیب‌پذیر بوده و هر آنی احتمال فروپاشی و تخریب آنها وجود دارد (شمشیری، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲-۲۲۴).

زمانی که دانش‌آموز احساس خرسندی و رضایت را تجربه می‌کند، باید در استفاده از پاداش‌های بیرونی احتیاط شود. زمانی که آنها اصلاً مورد نیاز نیست، استفاده از پاداش ممکن است موجب کاهش انگیزش درونی شود (ابراهیمی و خاقانی‌زاده، ۱۳۸۷).

این نکته که تنها مورد اشاره دو یا سه نفر از مصاحبه‌شوندگان بود، نکته‌ای اساسی در تربیت دینی است؟ حال آنکه اکثر صاحب‌نظران به دلیل منافع آنی تشویق، آن را

مورد تأیید قرار می‌دهند و با این تأیید، تقویت انگیزه‌های درونی برای دینداری را به غفلت می‌سپارند.

با توجه به نتیجه به دست آمده از این پژوهش کیفی، پیشنهادهایی برای مقابله با این چالش‌ها ارائه می‌شود که برخی در قالب پیشنهادهای پژوهشی و پرسش‌های تحقیقی است که باید پاسخ آن مورد بررسی قرار بگیرد و برخی دیگر مربوط به پیشنهادهای کاربردی و عملی است.

پیشنهادهای پژوهشی

— با توجه به نتایج این پژوهش با در نظر داشتن یک هدف اصلی و دور شدن از اهداف متعدد و متمرکز شدن روی آن هدف می‌توان از آسیب سطحی‌نگری در حوزه‌های مختلف، سردرگمی و کثرت اطلاعات بیرونی کاست. این نکته می‌تواند پرسش اصلی یک پژوهش باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود براساس تحقیقی کیفی بررسی شود که با توجه به شرایط دینی و فرهنگ بومی چه مؤلفه‌ای می‌تواند هدف و محور اصلی در نظام تربیتی ما باشد؟

— تحقیقی در پاسخ به این پرسش صورت گیرد که چگونه می‌توان قدرت و توانمندی و قابلیت اصولی چون دین‌یابی، فطرت و... را در تأثیرگذاری‌های تربیتی‌شان به آنها برگرداند و حضور آنها را در روح برنامه تربیتی پررنگ‌تر نمود؟

— الگوی یک پیش‌دبستانی مطلوب دینی با ویژگی‌های مختلف آن براساس پژوهشی کیفی ترسیم شود.

— ویژگی‌های برجسته مربی مطلوب تربیت دینی براساس پژوهشی کیفی تعیین گردد.

— در ارتباط با اصل تربیتی مهمی چون آزادی پژوهشی به شیوه مصاحبه یا دیگر روش‌های کیفی انجام گیرد و در آن به تعریف و تبیین دقیق آزادی از دیدگاه اسلام، مصادیق آزادی، حد و حدود آن، نحوه ورود آزادی مشروع به سیستم تربیتی به گونه‌ای که منطبق با اصول دینی باشد، پرداخته شود.

— طی تحقیقی به بررسی مبنای برنامه‌ریزی‌ها در پیش‌دبستانی پرداخته شود و بررسی شود که آیا می‌توان به جای مبنا قرار دادن روان‌شناسی یاددهی - یادگیری، مبانی را از خود دین استخراج کرد و آیا این کار عملی است یا اینکه باید به کلیات از دین اکتفا کرد و مبانی را از علومی چون روان‌شناسی بیرون کشید؟

پیشنهادهای کاربردی

- با تجدید نظر در برنامه‌های فعلی در پیش‌دبستانی‌ها از حجم مطالب حفظی و اطلاعات عمومی کاست و بر میزان توجه به روش‌های اکتشافی، گردش در طبیعت و پرورش حواس و تقویت انگیزش و عاطفه درونی افزود.
- در محتوایی که به کودکان ارائه می‌شود، با در نظر گرفتن اصل اعتدال و متناسب با شرایط روحی، شناختی شخصیتی کودک از ادبیات فانتزی و تخیل بهره‌گرفت و کودکان را با رویارویی با مسائل بزرگسالان از عالم کودکی دور نکرد.
- با استفاده از مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش پرسشنامه‌ای در ارتباط با آسیب‌های پیش روی تربیت دینی کودکان تهیه‌کرده و دیدگاه گروه‌های مختلف را در ارتباط با مؤلفه‌های مرتبط با تحقیقی کمی مورد بررسی قرار داد.
- از برنامه تلفیقی با محوریت تربیت دینی در سیستم آموزشی استفاده کرد و جنبه‌های مختلف و گسترده دین را بر کل برنامه سایه‌گستر نمود.
- با در نظر گرفتن اصل «فطرت» و مبتنی کردن همه برنامه‌های آموزشی و پرورشی بر آن، برنامه را به سمت رغبت‌ها و تمایلات فطری و درونی کودکان کشاند و از اجبار و سختگیری بی‌مورد پرهیز کرد.

منابع

- امین پور، قیصر (۱۳۸۵)، شعر و کودکی، چ ۲، تهران: مروارید.
- ابراهیمی قوام، صغری و مرتضی خاقانی زاده (۱۳۷۸)، «نقش انگیزش در یادگیری»، فصلنامه راهبردهای آموزشی، ش ۱، ص ۱-۹.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰)، «آسیب و سلامت در تربیت دینی»، تربیت اسلامی، ش ۶، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ص ۱۳-۶۰.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۸)، «تعلیم و تربیت و دنیای ناشناخته دینی کودکان»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰الف)، «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی»، تربیت اسلامی، ش ۶، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۱۳۳-۱۴۲.
- _____ (۱۳۸۰ب)، بررسی و نقد اجمالی منابع موجود در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، ۲۰ ج، چ ۶، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۰)، «درآمدی بر اصول پیشگیری از آسیب‌مندی تربیت دینی»، تربیت اسلامی، ش ۶، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ص ۱۸۷-۲۰۸.
- داودی، محمد (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، تربیت دینی، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت از منظر عشق و عرفان، تهران: طهوری.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۴)، رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی، چ ۱، تهران: قدیانی.
- مرادی، اسدالله (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی تربیت دینی در گفتگو با اندیشمندان حوزه و دانشگاه، قم: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- عطاران، محمد (۱۳۶۶)، آرای مریمان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مارشال، کاترین و گرچن ب. راسمن (۱۳۸۱)، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و محمد اعرافی، چ ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مزیدی، محمد (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و تحلیل کیفی داده‌ها»،
جزوه درسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.

Maykut, P. & R. Morehouse (1994), *Beginning Qualitative Research Philosophic & Practical Guide*, London-Washington, DC: Falmer Press.

Hsieh H. F., S. E. Shannon (2005), *Three Approaches to Qualitative Content Analysis*, Qual Health Res., Fooyin University, Taiwan University Washington.

Raymond, F. Paloutzian (1996), *Invitation to the Psychology of Religion*.

Harms, E. (1944), "The Development of Religious Experience in Children",
American Journal of Sociology, no.50, 11 (The Origins of Religion in the Child),
Review of Religions Research, pp.35-42.

Goldman, R. G. (1964), *Religious Thinking from Childhood to Adolescence*,
London: Routledge & Kegan Paul.